

## بررسی و تحلیل منزلت معلمان در دین اسلام

الناز خدادادی<sup>۱</sup>

چکیده:

معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می باشد. در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام نمی توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است.» البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به آموزش بپردازد.

با توجه به سخنان پیش گفته، در این فرصت، آموزه هایی را از روایات اهل بیت علیهم السلام در تکریم مقام معلم به خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم. [1]

بزرگ ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله به این ویژگی خود افتخار می کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می آموختند، افضل دانست و فرمود: (نَمَّا بُعِثْتُ مَعَلِّمًا هَمَانَا كَمَا مَنَ بِهِ عِنْوَانُ مَعْلَمٍ مَبْعُوثٌ شَدِيدًا).

کلمات کلیدی: معلم، منزلت، جایگاه، دین، اسلام، انبیا.

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی و مثبت گرا دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد

مقدمه:

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسانها ثبت می کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین انداز می گرداند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسانها مدیون معلم است. اساسا تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از ویژگیهای انبیاست. خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلما پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

امام حسین علیه السلام و تقدیر از معلم

بدون تردید هر انسانی فطرتا دوست دارد تا از خدمتگزار خود تقدیر کند و چه خدمتی بالاتر از آموزش علم و دانش به انسان می تواند باشد. در آموزه های دینی ما برای تقدیر از معلم سفارشهای زیادی شده است و در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام این امر مرسوم و مسلّم بوده است. این شهر آشوب در حالات امام حسین علیه السلام می نویسد :

در مدینه معلمی به نام عبد الرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند گرامی حضرت آن را در نزد وی قرائت کرد، امام بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد. وقتی امام حسین علیه السلام به خاطر این پاداش زیاد، مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «وَأَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَعْنِي تَعْلِيمِهِ؛ این پاداش کجا و عطای او، یعنی آموزش سوره حمد کجا!» آن گاه امام حسین علیه السلام این ابیات را یادآور شد که :

إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجِدْ بِهَعْلَى النَّاسِ طَرًّا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتْ

فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ

یعنی زمانی که دنیا چیزی بر تو ببخشد، تو نیز دست عطایت را بر همه مردم بگشا، قبل از آنکه از دست تو برود! نه بخشش آن را از بین می برد، اگر به تو رو آورد و نه بخل آن را نگه می دارد، اگر دنیا به انسان پشت کند .

## منزلت معلم

از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام برای مقام معلمی ارزش بسیاری قرار داده شده است؛ چرا که او روح و جان افراد را پرورش داده، به سوی رشد و ترقی و تعالی می برد. [9]

حضرت سید الشهداء علیه السلام در یکی از رهنمودهای حیاتبخش خویش فرمود: مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ضَلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةٍ حَقٍّ فَاجَابَهُ كَانَ لَهُ الْجَزُّ كَعْتَقِ نَسَمَةٍ؛ هر کس انسانی را از گمراهی به سوی شناخت حق و حقیقت راهنمایی کند و او نیز پاسخ مثبت دهد، به اندازه آزادی یک بنده پاداش خواهد داشت.

امام حسین علیه السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: مرد ستمگری می خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند و تو او را یاری می کنی و از دست ظالم نجات می دهی و یا اینکه فرد دگراندیشی که اعتقادات فاسد دارد و می خواهد یکی از شیعیان ما را که توانایی دفاع فکری و عقیدتی از باورهای خود ندارد، گمراه کند و تو دری از علم و معرفت به روی او می گشایی و آن مستضعف فکری را یاری می کنی و در مقابل هجوم فرهنگی و عقیدتی تجهیزش می نمایی و او با دلایل محکم و منطقی بر دشمن عقیدتی خود پیروز می شود؟»

آن گاه در ادامه فرمود: «این ناتوان فکری را یاری کردن افضل است؛ چرا که خداوند متعال فرموده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ «هر کس فردی را زنده کند، مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است.» یعنی اینکه از کفر به سوی ایمان راهنمایی و ارشادش نماید. [2]

## عزیزترین قشر جامعه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام احترام معلم را بر هر قشری از جامعه لازم می دانست و به مسلمانان سفارش می کرد که به پاس خدمات این گروه ارزشمند در هر مقامی که باشند، آنان را همانند پدر خود گرامی بدانند و در این زمینه فرمود: «قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِبَيْتِكَ وَمُعَلِّمِكَ وَلَوْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به پا خیز! گرچه پادشاه باشی.»

حضرت زین العابدین علیه السلام نیز در ضمن شمارش حقوق اقشار مختلف جامعه، معلمان را از طبقات برتر جامعه قلمداد کرده، به دوستان و شیفتگانش سفارش می کرد که حقوق معلمان و اساتید خود را به نحو شایسته ای مراعات کنند و در رساله حقوق خود فرمود:

«حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ السَّمَاعِ إِلَيْهِ؛ حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس محترم بداری و به نیکویی سخنانش را گوش کنی.» [3]

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است: هنگامی که به حضرت هادی علیه السلام خبر رسید یکی از فقهای شیعه - که در مقام استادی بود - با برخی از ناصبیان مناظره کرده و با برهان محکم و متقن، باطل بودن ناصبی را اثبات نموده و او را رسوا کرده است، [خیلی خوشحال شد و] هنگامی که آن استاد فرزانه به حضور امام هادی علیه السلام رسید، امام او را در صدر مجلس به تخت بزرگی که در آنجا قبلاً نهاده بودند، راهنمایی کرد. این درحالی بود که گروهی از علویان و بنی هاشم حضور داشتند و خود امام بر آن تخت نشست. حضرت آن استاد فقیه را بالا برد و تعظیم کرد تا اینکه بر روی آن تخت نشانید.

#### تکریم معلم

یکی از بهترین و مؤثرین ترین اقشار اجتماعی، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان طور که شمع خود می سوزد و اطرافش را روشن می کند، معلمان دلسوز و وظیفه شناس که دانش آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه روزی به سوی روشنایی و هدایت می برند نیز جامعه را به نور علم و معرفت خویش روشن می سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات، محترم بشمارند .

از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی شمارد. آن حضرت چنین فرمود: ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَحَفُّ بِهِمْ إِلَّا مَنَافِقٌ بَيْنَ نَفَاقُهُ ذُو شَيْبَةٍ فِي السَّلَامِ وَمَعْلَمٌ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ؛ از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دو رویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی زند. این سه گروه عبارت اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیک و پیشوای عادل. [3]

#### در خاطرات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم آمده است :

در دوران جوانی روزی در جلسه ای با حضور عده ای از علما که در میان آنان آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شهید آقا شیخ فضل الله نوری نیز دیده می شد، نشسته بودیم .در آن هنگام، پیرمردی ژولیده و لاغر اندام که دستمال ماندی به سر بسته و عبایی وصله دار بر دوش گرفته بود، در نهایت سادگی به آن جلسه داخل شد. میرزا محمدتقی شیرازی فوراً بلند شد و با احترام تمام آن پیرمرد را به حضور جمع آورد و در بهترین جای مجلس نشانید. او با اشاره به آقا شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: ایشان کیست؟ میرزا گفت: ایشان آقا شیخ

فضل الله نوری است و او را کاملاً معرفی کرد. پیرمرد روشن ضمیر گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را [به جرم دفاع از اسلام] در تهران بر دار می کشند. او تو نباشی!

سپس نام مرا از میرزا پرسید: میرزا گفت: او آقا شیخ عبد الکریم یزدی است و از فضلاست. مسئله ای از من پرسید و من چون پاسخ آن را خیلی واضح و پیش پا افتاده می دانستم، نگفتم و سکوت کردم. میرزای شیرازی دوم بر من خشم گرفت و شدیداً ناراحت شد و خودش پاسخ مسئله را گفت و اضافه کرد که علما در این باب این طور می گویند. وقتی بیان میرزا تمام شد، آن مرد ساده پوش خود به صورت دیگر پاسخ را تقریر کرد و میرزا گفته های او را نوشت و به او نشان داد و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ و او گفت: بلی. سپس به من رو کرد و گفت: چندی بعد پرچم اسلام در قم بر دوش شیخ عبد الکریم نامی به احتزاز در می آید، او تو نباشی!

آن گاه برخاست و خداحافظی کرد و رفت. میرزا محمدتقی شیرازی کفش پیش پای او نهاد و او را بدرقه کرد و چون بازگشت، بر من عصبانی شد که چرا به او بی اعتنائی کردم و توضیح داد که او معلم اخلاق حوزه های علمیه، آخوند فتحعلی سلطان آبادی است. [5]

#### معلم، در شعر شهریار

می توان در سایه آموختنگنج عشق جاودان اندوختن

اول از استاد یاد آموختیمس سویدای سواد آموختیم

از پدر گر قالب تن یافتیماز معلم جان روشن یافتیم

ای معلم چون کنم توصیف توچون خدا مشکل توان تعریف تو

ای تو کشتی نجات روح مای به طوفان جهالت نوح ما

یک پدر بخشنده آب و گل استیک پدر روشنگر جان و دل است

لیک اگر پرسى کدامین برترینآنکه دین آموزد و علم و یقین

### برکات حضور در نزد معلم

یکی از مهم ترین مصادیق تعظیم معلمان و اساتید، حضور در کلاس درس آنان است که انسان علاوه بر اینکه مطالب بسیاری از آنان می آموزد، از آداب و رسوم و اطلاعات غیر درسی نیز بهره مند می شود؛ افزون بر آن، به مقام دوستان خداوند و ثواب آنچه نزد خداست نیز دست می یابد. در حقیقت آموزه های معلم، همانند قطرات باران دلهای تشنه را سیراب و استعدادها را شکوفا می کند. به این جهت، حضرت عیسی علیه السلام به پیروان خود سفارش کرد که:

«یا بنی اسرائیل زاحموا العلماء فی مجالسهم ولو جئوا علی الركب فان الله یحیی القلوب المیتة بنور الحکمة كما یحیی الرض المیتة بوابل المطر؛ ای بنی اسرائیل! در کلاسهای درس دانشمندان ازدحام کنید! حتی اگر از تنگی مکان درس ناچار باشید که بر روی زانوان بنشینید؛ چرا که خداوند متعال با نور دانش و حکمت، دلهای مرده را زنده می کند؛ همان طوری که زمین مرده [و خشک] را با قطرات باران احیا می کند.» [6]

حضور در جلسات دانشمندان و معلمان حکمت چنان در زندگی انسان اثر دارد که ممکن است در اثر بی اعتنایی به آن جلسات، انسان دچار خواری شود و مورد خشم خداوند قرار گیرد. امام سجاد علیه السلام در دعای سحر به این نکته ظریف اشاره می کند و در راز و نیاز با خداوند این گونه نجوا می کند: «سیدی... لعلک فقتتني من مجالس العلماء فخذتني؛ آقای من...! شاید مرا در مجالس دانشمندان ندیدی و به این خاطر دچار خذلان و خواری نموده ای!

### ویژگیهای معلمان شایسته

در مطالب گذشته روایاتی در مقام و منزلت معلمان شایسته بیان شد. در خاتمه، به برخی از شرایط آنان نیز اشاره می شود:

#### 1 اخلاص

امام صادق علیه السلام فرمود: الْمُعَلِّمُ لَا يُعَلِّمُ بِالْجُرِّ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ؛ معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، (بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می دهد) (و هرگاه هدیه ای به او دادند، آن را می پذیرد).

## 2 عدالت میان شاگردان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: (وَمَعْلَمُ الصَّبِيَانِ لَا يُوَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهُ فِي الْيَتِيمِ؛ و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی گیرد.)

## 3 تواضع

علی علیه السلام فرمود: مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ يَعْلَمُهُ؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می رسد.

## 4 عمل به گفته های خود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت دانشمندان [او معلمان] بد را می آورند و به آتش جهنم می اندازند. یکی از آنان [از شدت عذاب] در داخل آتش به دور خود می چرخد... کسانی که از او علم آموخته و نجات یافته اند، به او می گویند: وای بر تو! ما راه راست را از تو آموختیم و هدایت شدیم. چرا تو اینگونه ای؟ او پاسخ می دهد: من نسبت به آنچه به شما می آموختم و شما را از آن نهی می کردم، مخالفت کردم [11]

## نتیجه گیری:

(لقد من الله على المومنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته و يزكهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة

و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين) (آل عمران/ آیه 461)

قرآن کریم به عنوان چراغ پرفروغ و سراج وهاج که کامل ترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد در آیات نورانش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هرچه تمام ترسیم کرده است و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی کرده که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود: «اقراء باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم» (سوره علق) و این چنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشخص پدیدار شد که در این مکتب علم و دانش، معلم و متعلم (شاگرد و مربی)، مدرسه و مکتب خانه از جایگاه بسیار ارزشمند و رفیعی

برخوردارند. [12]

کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت می باشد و اصل رب تربیت است و آن عبارت از ایجاد شیء است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد. با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی ها معرفی شده است و در کلمات رسول الله (ص) آمده است (بالتعلم ارسلت)، (بعثت معلما)، (بعثت لا تمم مکارم الاخلاق) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن بسوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی شناسد چرا که علم و حکمت را گمشده مومن می داند که نزد هر کس بیابد آن را می گیرد. در مکتب اسلام تمام افرادش باید معلم باشند و تمام افرادش متعلم، همه باید هم تحصیل کنند و هم تدریس نمایند و انسان ها را الهی تربیت کنند.

معلمی وظیفه ای بس گرانبه و ارزشمند در اسلام است. اولین معلم خداوند متعال است که فرمود: الرحمن، علم القرآن... خداوند رحمان قرآن را آموخت... دومین معلم، پیامبر اکرم(ص) است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده ام و ائمه اطهار و بزرگان دین نیز هر یک معلمانی برجسته و راهنمایانی بس شایسته بوده اند. [13]



منابع:

- 1- قرآن کریم
- 2- آشنایی با قرآن، شهید مطهری، ج 8، ص 58 - 57
- 3- استاد جلال‌الدین همایی، مقام معلم، 1345/5/5
- 4- محمدرضا شرفی، تربیت اسلامی، ص 90
- 5- ابراهیم امینی- اسلام و تعلیم و تربیت، ص 90
- 6- محمدباقر حجتی، آداب تعلیم و تربیت اسلامی، ص 228
- 7- امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، مجلدات 5 تا 17، چاپ موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران
- 8- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، کلمات قصار امیر المومنین علی (ع)
- 9- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان،
- 10- تهران، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی، چاپ پنجم، 76
- 11- ظهیری، احمد تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی، چاپ قم
- 12- مطهری، مرتضی، 1378، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ صدرا، تهران .
- 13- مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی، اثر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران



[www.spconf.ir](http://www.spconf.ir)

# هشتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت و اقتصاد در علوم انسانی

8<sup>th</sup> National Conference on  
Management Studies and Economics in the Humanities